

Legal analysis of the role of couples' personality differences in family strength

Abstract

Since the attitude towards the human nature of men and women, their rights and freedoms have a direct impact on the institution of the family, choosing the right worldview as well as setting the most precise rules for regulating the relationship between individuals in the family and society is very important. Husbands and wives, as the main and primary pillars of family formation, have a fundamental and decisive role in the dynamism, strength, and growth of various personality dimensions of family members. In this study, we intend to examine the personality differences between men and women and express its role in family strength. This research is written in a descriptive-analytical method. In the end, we came to the conclusion that teaching the mystery of behavior in the family and how to communicate well with spouse and children, and reviving good religious and national traditions are among the strategies that are necessary to institutionalize morality in families and look. Islam is for both parties and is addressed to the verses, hadiths, and laws of both men and women, and each in its place can be the source of influence and cause a healthy family and community.

Keywords: Basics, Law, Personality, Family Strength

واکاوی حقوقی نقش تفاوت‌های شخصیتی زوجین در استحکام خانوادهحیدر رفعتی^۱امیر ملامحمدعلی^۲محمود قیوم زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۹

چکیده

از آنجاکه چگونگی نگرش به ماهیت انسانی زن و مرد، حقوق و آزادی‌های آنان تأثیر مستقیمی بر نهاد خانواده دارد، انتخاب جهان‌بینی صحیح و همچنین وضع دقیق‌ترین قوانین برای تنظیم روابط افراد در خانواده و جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است. زن و شوهر به عنوان ارکان اصلی و اولیه تشکیل خانواده، نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در پویایی، استحکام و رشد ابعاد مختلف شخصیتی اعضای خانواده دارند. در این پژوهش برآنیم که تفاوت‌های شخصیتی زن و مرد را بررسی و نقش آن در استحکام خانواده را بیان کنیم. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی تألیف می‌یابد. در پایان به این نتیجه رسیدیم که آموزش رمز و راز رفتاری در خانواده و چگونگی برقراری ارتباط حسنه با همسر و فرزندان، و احیای سنت‌های حسنه مذهبی و ملی از جمله راهکارهایی است که برای نهادینه کردن اخلاقیات در خانواده‌ها ضرورت دارد و نگاه اسلام به هر دو طرفین است و مورد خطاب آیات و روایات و قانون هم مردان و هم زنان‌اند و هر یک در جایگاه خود می‌توانند منشاء اثر و موجب ساختن خانواده و اجتماع سالم باشند.

واژگان کلیدی: مبانی، حقوق، شخصیت، استحکام خانواده

^۱گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران (heydarrafati1346@gmail.com)

^۲گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران (نویسنده مسئول) (dr.molla@gmail.com)

^۳گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران (maarefteacher@yahoo.com)

خانواده هسته مرکزی و نخستین اجتماعی است که شخص در آن گام می‌نهد، آداب زندگی و اصول و رسوم اجتماعی، تعاون و از خود گذشتگی را در آن فرا می‌گیرد. خانواده کانونی برای حمایت از انسان است. از دیدگاه اسلام همین که نکاح به درستی واقع شود، حقوق و تکالیفی برای زوجین ایجاد می‌شود که حقوق دانان از آن به آثار نکاح تعبیر می‌کنند، آثار حقوقی نکاح شامل دو بخش است: بخشی از این آثار دارای جنبه مالی است و بخش دیگر غیرمالی می‌باشد که مهم‌تر از بخش اول است؛ زیرا نکاح در درجه اول یک قرارداد غیرمالی است و روابط غیرمالی زوجین، مهم‌تر از روابط مالی آن‌هاست. از آن جا که برخی از حقوق اسلامی مانند انحصاری بودن حق طلاق برای مردان (بقره، آیه ۲۳) اختصاص حق ریاست، و ولایت بر فرزندان، اخذ اجازه از زوج توسط زوجه برای خروج از منزل و مانند آن در ظاهر به نفع مردان و تبعیض علیه زنان و موجب چالش بین حقوق اسلامی و حقوق بین‌الملل شده است. از این رو، یکی از مسائلی که مورد توجه حقوق‌دانان قرار گرفته است، حقوق زنان در محیط خانواده می‌باشد، به همین دلیل در ماده ۹۱ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان برای رفع این تبعیض‌ها تلاش‌های وافر در راستای یکسان سازی حقوق زنان با مردان صورت گرفته است و حقوقی را به صورت برابر برای هر دو برشمرده‌اند، از جمله این که ازدواج باید با رضایت کامل دو طرف باشد، حقوق و مسئولیت هر دو در دوران ازدواج و هنگام انحلال آن، حقوق و مسئولیت هر دو به عنوان والدین مساوی باشد. با نگاهی به استعدادها و توانایی‌های خاص زوجین، به خوبی در می‌یابیم که خانواده، مناسب‌ترین محل برای بروز استعدادها می‌باشد (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۷). پیگیری بحث در منابع علمی حاکی از تفاوت‌های متعددی میان دو جنس زن و مرد است؛ چیزی که پیشرفت علوم تجربی مانند روانشناسی فردی و اجتماعی، زیست‌شناسی و پزشکی نیز بر صحت آن مهر تأیید نهاده که فمینیسم‌ها نیز توانسته‌اند در مقام انکار آن برآیند؛ به خصوص آنکه آگاهی از هویت جنسی - مرد یا زن بودن - به صورت ناقص و ناخودآگاه از ۱۸ ماهگی تا ۳ سالگی در افراد شکل می‌گیرد (محمدی، ۱۳۹۲). اسلام با نظام قانون‌گذاری خاص خود، همواره سعی در حفظ خانواده و تحکیم ارکان آن بر پایه اصول اخلاقی و ارزشی دارد، زیرا پیوند زناشویی و ازدواج غریزی می‌باشد و در مرحله‌ی نخست، اقدام به آن، به آموزش و محرک خاص نیاز ندارد، ولی تداوم این پیوند و داشتن روابط درست و پایدار، که به ثبات و دوام خانواده بینجامد، نیازمند آموزش است. حتی نکاتی که در انتخاب همسر و توجه به ویژگی‌های جسمی و اخلاقی و روحی فرد مطرح می‌شود، از این روست (نوری، ۱۳۹۵) بالندگی یا انحطاط خانواده به عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی و عامل تشکیل و استحکام بنیان جوامع بشری همواره مورد توجه سیاستمداران، مدیران و پژوهش‌گران نیز بوده و خواهد بود (معارف و قماشچی، ۱۳۹۵). در بعضی جوامع، نه تنها کارکردهای خانواده، بلکه اصل و تمامیت آن با جایگزین‌های احتمالی و انحرافی مانند زندگی مشترک بدون ازدواج یا همزیستی دو هم‌جنس و خانواده‌ی تک‌والدی به چالش کشیده شده است، به گونه‌ای که نشانه‌های جدی از هم‌پاشیدگی این کانون دیرپای اجتماعات بشری در بسیاری از جوامع صنعتی ظاهر شده است. این امر نگرانی‌هایی در پژوهشگران و جامعه‌شناسان به وجود آورده است و آنان، همواره، در پی یافتن پاسخی برای این پرسش هستند که کودکان فردا در نبود خانواده‌ها چگونه و در کجا زندگی را آغاز کرده، به آن ادامه خواهند داد (خطیبی، ۱۳۹۴). در این پژوهش برآنیم که تفاوت‌های شخصیتی زن و مرد را بررسی و نقش آن در استحکام خانواده را بیان کنیم. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی تألیف می‌یابد. روش جمع‌آوری بیشتر بر اساس روش کتابخانه‌ای و استفاده از مقالات و پایان‌نامه‌های موجود در کتابخانه ملی، مجلس، دانشگاه تهران و تربیت مدرس و همچنین استفاده از سایت‌های معتبر نظیر نورمگز، ایران‌داک، مگ ایران و سایت‌های پژوهشگاه‌ها و دیگر قطب‌های علمی کشور می‌باشد. و ابزار جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها فیش و فایل می‌باشد.

۲- مبانی نظری

در این بخش به تعریف برخی از اصلاحات موجود در این مقاله پرداخته می‌شود. حقوق: حقوق در معنای مختلفی بکار می‌رود. در لغت جمع حق است و حق در اصطلاح امتیازی است که شخص در جامعه معینی دارد. حقوق در این معنی به حقوق فردی تعبیر می‌شود اما در اصطلاح عبارت است از مجموعه قواعدی که تنظیم کننده و حاکم بر روابط اشخاص در جامعه معین می‌باشد. برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، حکومت برای هر کس اختیاراتی در برابر دیگران می‌باشد و توان خاصی به او میبخشد که این امتیاز توانایی را ((حق)) مینامند که جمع آن ((حقوق)) است. به این قسم از حقوق ((حقوق فردی)) هم گفته میشود مانند حق عیان- حق مالکیت - حق آزادی شغل گاهی بخشی از این حقوق تحت عنوان ((حقوق بشر)) مورد حمایت قرار می‌گیرد. البته گاهی هم مقصود از حقوق علم و دانش مرتبط به تحلیل قواعد حقوقی و سیر تحول آن است مثل حقوق مدنی- حقوق اساسی - حقوق کیفری و ... البته معانی دیگری هم برای حقوق متصور است مثل حقوق کارمندان یعنی دستمزد کارکنان یا حقوق دیوانی و معانی دیگر که هر کدام اقسامی دارند (کاتوزیان، ۱۳۷۹).

شخصیت: شخصیت در لغت عبارت است از: شرافت، رفعت، بزرگواری، مرتبه و درجه، صاحب وجودی، وجود، منش، ملاطفت، نجابت (معین، ۱۳۷۵) قرآن کریم نیز واژه شخصیت را با الفاظی مانند شاکله، قلب، صدر، نفس، عقل و روح به کار برده است (سالاری فر و همکاران، ۱۳۹۰). با اینکه مفهوم شخصیت مانند خود انسان اهمیت ویژه‌ای دارد و در علوم رفتاری بررسی می‌شود، اما تاکنون تعریفی واحد و جامع که مورد اتفاق تمامی روان‌شناسان باشد به دست نیامده است؛ زیرا برخی جهان درون انسان را اصیل می‌دانند و رفتارهای او را در سایه این بینش تفسیر می‌کنند و برخی بر خلاف این دیدگاه، عالم درون انسان را جدای از رفتارهای او مطالعه‌پذیر نمی‌دانند و همه چیز را در کنش‌ها و واکنش‌های او تفسیر می‌کنند (دهخدا، ۱۳۴۱). از جمله عوامل نفسانی‌ای که شخصیت را تشکیل می‌دهد، پاره‌ای احساسات و حافظه و تخیل و اراده است و گذشته از این، محیط اجتماعی نیز در تشکیل این معنا دخالت مؤثری دارد و تعقل ذات را تسهیل می‌نماید (مان، ۱۳۴۹). شخصیت در زبان لاتین «پرسونالیت» و در زبان انگلوساکسون «پرسونالیتی» خوانده می‌شود که از ریشه لاتین «پرسونا» گرفته شده است. در تعریفی دیگر گفته شده: «شخصیت ترکیبی از ویژگی‌های روانی، بدنی، زیستی و اجتماعی است که به تدریج برای شخص حاصل می‌شود و به فرد چگونگی رفتار و تطابق با محیط را که با عاطفه و احساسات همراه است القا می‌کند» (محسنی، ۱۳۵۷). شخصیت انسان امری پیچیده است، تا آنجا که برخی آن را پدیده‌ای ناشناخته می‌دانند، اما قرآن که به راستی «تَبَيَّنًا لِكُلِّ شَيْءٍ» است، به خوبی شخصیت آدمی را تبیین کرده است (وطن دوست و ایروانی، ۱۳۹۰). قرآن در آیات فراوانی به تفاوت‌های فردی موجود مردم اشاره کرده است. آیات مذکور، گویای این مسئله است که مردم از نظر عوامل وراثتی، محیطی، جسمانی، روانی و عقلانی، علم و حکمت، ثروت و مایملک و نفوذ اجتماعی تفاوت‌هایی با هم دارند (علایی و همکاران، ۱۳۹۷).

تحیکم خانواده: در فرهنگ لغت وبستر، خانواده یک واحد زیستی، اجتماعی و بنیادی در جامعه است که از دو یا چند نفر بزرگسالان تشکیل شده است که با هم زندگی می‌کنند و در زمینه مراقبت و تربیت فرزندان با یکدیگر همکاری دارند (Thompson & Henderson, ۲۰۰۷). گلدنبرگ در تعریف خانواده می‌گوید که خانواده نظام عاطفی پیچیده‌ای است که چند نسل را در بر می‌گیرد و وجه تمایز آن با سایر نظام‌های اجتماعی در وفاداری، عاطفه و دائمی بودن عضویت در آن است (Goldenberg & Goldenberg, ۲۰۱۲). تاکنون تعاریف گوناگونی برای خانواده ارائه شده است که عموماً بر اساس دو نکته بیان گردیده؛ یکی

ساختارهای موجود خانواده که تاریخ از آن یاد کرده است و دیگری انتظاراتی که از کارکرد خانواده بوده و هست (دهخدا، ۱۳۴۱). خانواده شامل اهل خانه یعنی پدر، مادر و فرزندان، به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی می‌باشد که از آن در باب‌های مختلفی نظیر حج، تجارت، حدود و نکاح سخن رفته است (محمودی، ۱۴۲۶). اما در نگاه حقوق دانان، خانواده عبارت است از یک واحد اجتماعی که از ازدواج یک زن و یک مرد به وجود می‌آید و فرزندان حاصل از آن ازدواج، آن را تکمیل می‌نمایند، یا در تعریفی دیگر، به عنوان گروهی است که به دلیل قرابت یا زوجیت، همبستگی حقوقی و اجتماعی یافته و تحت رهبری یک مقام قرار است شناسایی خانواده و تعریف آن از حیث ترتب آثار و احکام حقوقی از اهمیت برخوردار است (کاتوزیان، ۱۳۷۲). در هر کشوری، تشکیل خانواده به مقتضای آداب و رسوم و قوانین پذیرفته شده داخلی، تعریف خاص خود را دارد. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران- که منبعث از نظام فکری اسلام است- ازدواج برای تشکیل خانواده لازم است، بنابراین گرد هم آمدن گروه‌هایی از افراد در کنار یکدیگر بدون نکاح شرعی، خانواده محسوب نمی‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷). برخی از حقوق دانان، باتوجه به نکاح- عامل سازنده خانواده و کارکرد زیستی آن، خانواده را رابط‌های حقوقی و عاطفی که به وسیله عقد نکاح بین زن و مرد به وجود آمده تعریف کرده‌اند و مظهر بارز این رابطه حق جنسی است (کاتوزیان، ۱۳۹۴). بنابراین می‌توان گفت، وجود زوجین در خانواده شرط حدوث آن است، ولی شرط بقای خانواده نیست (صفایی و امامی، ۱۳۸۵). واژه تحکیم مصدر از (ح، ک، م) است و حکم در لغت به معنی منع می‌باشد. این کلمه گاهی به معنی «استواری» به کار می‌رود و «احکام» به معنی محکم ساختن است. واژه تحکیم در ترکیب «تحکیم خانواده» نیز از همین باب است و به معنی «معنی»، «احکام» یا استواری است. از خانواده در علم حقوق تعریف‌های متعددی ارائه شده است.

خانواده از منظر اسلام: از نظر اسلام خانواده و سلامت آن، تاثیر زیادی در پیشرفت جامعه داشته، در اداره کشور و انسانیت منشا خیراتی عظیم است. قرآن کریم به عنوان برترین نسخه زندگی و عالی‌ترین راهنمای بشر برای دستیابی به حیات طیبه، بخش عظیمی از آیات را به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص داده و در نگاهی کلی تمامی احکام و دستورات اسلام به نوعی ناظر بر صیانت از خانواده است (یزدخواستی و ربانی، ۱۳۹۳). بخشی از آن برای تزکیه و تطهیر فرد و بخشی پیرامون اصلاح جامعه و حفظ سلامت آن وضع شده است. در نظام ارزشی، برقراری رابطه محبت آمیز بین مسلمانان پیوسته مورد تاکید قرار گرفته است. این توصیه در خانواده و نسبت به نزدیکان شکل موکدتری به خود گرفته تا علاوه بر پیوند، رشته محبت زن و شوهر با یک دیگر، زیر بنای استحکام خانواده قرار گیرد (حرعاملی، ۱۳۴۷). در فرهنگ اسلام خانواده کانون مهم، امنیت و ایمان است و سایه گسترده خانواده، اعضای آن را در مقابل ناملایمات روزگار مصون می‌دارد و نیازهای عاطفی و روانی آن را تامین می‌نماید. قرآن، خانواده را یک مجموعه متعالی برای تامین اهدافی مقدس می‌داند که برای رساندن او به آن اهداف برنامه ریزی و حقوق و وظایف افراد را تعیین می‌کند. از عناصر بسیار مهم در سازگاری دو همسر و تحکیم خانواده، عشق و علاقه متقابل است (گروه روانشناسان معاونت پژوهش، ۱۳۸۶). رسول گرامی اسلام (ص) در جواب زنی به نام حواء که از وظیفه زن نسبت به همسر خود سؤال کرد فرمود: «ای حواء حق مرد بر همسرش این است که به خانواده اش پایبند باشد، با او مهربانی کند و محبت بورزد و نسبت به او دلسوز باشد» گفت و گوی مؤدبانه و احترام آمیز همسران با یک دیگر و بهره‌گیری از روش موثر و سازنده برای ارتباط کلامی، مصداق کامل «خوب سخن گفتن» تلقی می‌شود که در راستای ایجاد محبت و نشاط در محیط خانواده است (کلینی، ۱۳۶۲). حضرت علی (ع) می‌فرماید «با رفیق و مدارا، همدلی و هم راهی در زندگی مشترک پایدار می‌ماند» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۵) رعایت نکات بیان شده، به رضایت مندی همسران می‌انجامد (خطیبی، ۱۳۹۴).

تأثیر اخلاق در استحکام خانواده: خُلق عبارت از شکل درونی انسان است، چنان که خلق شکل ظاهری اشیاء است. غریز، ملکات و صفات روحی و باطنی که در انسان است اخلاق نامیده می‌شود و به اعمالی که از این خلقیات ناشی گردد، نیز اخلاق می‌گویند (مهدوی کنی، ۱۳۷۱). غزالی نیز اخلاق را عبارت از «اصلاح و پیراستن قوای نفس» می‌داند. وی معتقد است اخلاق، هیاتی رسوخ یافته در نفس است که باعث می‌شود که انسان با سهولت، آسانی و بدون تامل و اندیشه رفتار نماید. این حالت، زمینه صدور افعال پسندیده و نیکو و دوری از افعال زشت و ناپسند است» (غزالی، ۱۳۷۱). با رجوع به تعریف‌های اخلاق، مشخص می‌شود که رابطه اخلاق و خانواده، رابطه‌ای کاملاً مستقیم و الزامی است؛ زیرا انسان جز در محیط امن و سازنده خانواده، هرگز قادر به کسب آگاهی، کمال و رفع نواقص از نفس و رفتار خود نمی‌باشد. بنابراین، انسان که جوای کمال و گریزان از ضعف و نقص است، طالب حضور در خانواده و تحکیم روابط اعتلای آن می‌باشد. به طور کلی، استواری و محکم بودن خانواده‌ها، پایبندی‌های اخلاقی اعتلای آن و پرهیز از کج خلقی است (جوادی آملی، ۱۳۷۵).

۳- کفویت زوجین در حقوق ایران

در سراسر قوانین مدنی در بخش نکاح، توجه به همتایی و همسانی زوجین و مولفه‌های اثرگذار در آن مشهود است، اما از عنوان کلی «کفویت» به عنوان شرط صحت یا شرط همسر مناسب، سخن به میان نیامده است. کفایت اعتقادی، اقتصادی و شغلی از موارد هم کفوی است که در قانون به آن پرداخته شده است. در راستای سیاست‌های مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی برای بازنگری و وضع قوانین و مقررات حمایتی و تشویقی فرزندآوری به صورت پلکانی با رعایت سه معیار سن ازدواج، فاصله موالید و تعداد فرزندان الزاماتی پیش بینی شده است (زارعی و همکاران، ۱۳۹۹). با مطالعه قوانین مربوط به وظایف والدین که قسمت اعظم آن در مواد قانون مدنی آورده شده است، پس از تولد طفل قانون‌گذار برای پدر و مادر یک سری حقوق و تکالیفی را مقرر کرده است که مهم‌ترین آنها شامل حضانت، سرپرستی اموال، تربیت، حق نفقه، می‌شود. بعضی از والدین امروزی بدلیل میل به رفاه طلبی به این جهت که زیر بار مسئولیت نروند از فرزند آوری شانه خالی می‌کنند. بهمین لحاظ، پدیده فرزند آوری برای برخی از زوج‌های جوان به تابویی تبدیل شده است. لیکن با لحاظ اینکه انسان برحسب فطرت، جمع طلب است و به طور طبیعی از انزوا و تنهایی گریزان است، لذا بدین ضرورت باید تن به توسعه و تکثیر نسل خود بدهد. همین انگیزه باعث شده هر فردی تا قبل از تشکیل خانواده، به خانواده‌ای که در آن تولد یافته، وابستگی شدید دارد و بعد از آن، در اولین فرصت مناسب، خود تشکیل خانواده می‌دهد و به آن وفادار می‌ماند (پایگاه اطلاع رسانی امور فرهنگی قوه قضاییه، ۱۳۹۴).

۴- حقوق متقابل زوجین در حقوق ایران

در مورد تعدد زوجات در حقوق ایران متن صریحی وجود ندارد ولی به وضوح می‌توان از پاره‌ای از قوانین موضوعه کشور این مهم را استنباط نمود. مانند: مواد ۹۰۰، ۹۴۲، ۹۰۱، ۱۰۴۶، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، قانون مدنی، تمامی اساتید و شارحان قانون مدنی نیز به تصریح جواز تعدد زوجات را در حقوق ایران پذیرفته‌اند و به استناد عرف مذهبی و مسلم جامعه ایرانی اختیار مرد را در نکاح با چند زن محدود در چهار زوجة دائمی دانسته‌اند. برخی از اساتید به پیروی از نظر چند فقیه اختیار مرد در انتخاب چهار زن اعم از دائم و منقطع محدود کرده‌اند (شایگان، ۱۳۷۵). «با

توجه به مشکلاتی که ممکن بود برای خانواده‌ها پیش بیاید و مرد از این حق سوء استفاده کند قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ به منظور جلوگیری از سوء استفاده مرد و محدود کردن چند زنی و حمایت از زن برای نخستین بار اجازه دادگاه را در این خصوص لازم شمرد. ماده ۱۴ این قانون مقرر می‌داشت: «هرگاه مرد بخواهد با داشتن زن، زن دیگری اختیار نماید باید از دادگاه تحصیل اجازه نماید، دادگاه وقتی اجازه اختیار همسر تازه خواهد داد که با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن، توانایی مالی و قدرت او را به اجرای عدالت احراز کرده باشد. هرگاه مردی بدون تحصیل اجازه از دادگاه مبادرت به ازدواج نماید به مجازات مقرر در ماده ۵ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰-۱۳۱۶ محکوم خواهد شد» (بیگی، ۱۳۹۴). ماده مذکور «مباینتی با فقه اسلامی ندارد چرا که دادگاه فقط درباره توانایی مالی مرد و قدرت او به اجرای عدالت یعنی تساوی بین زنان متعدد که شرط تعدد زوجات در اسلام است رسیدگی و تحقیق می‌کند و در صورتی که با توجه به امکانات مالی و وضع زندگی و اخلاق و رفتار مرد وجود دو شرط مذکور را احراز می‌کند، اجازه اختیار همسر جدید را صادر می‌کند. ماده مذکور مشکلات عملی متعددی پدید آورد و بحث و اختلاف نظر هایی را برانگیخت تا این که قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ مواد ۱۶ و ۱۷ که جایگزین ماده ۱۴ قانون پیشین شده اند متضمن قواعد تازه ای درباره تعدد زوجات هستند» (صفایی و امامی، ۱۳۸۵).

۵- حق طلاق در حقوق موضوعه

حق طلاق عبارتست از حقی که بواسطه آن یکی از طرفین عقد نکاح بتوانند بدون در نظر گرفتن طرف مقابل و تنها مبتنی بر اراده خود مبادرت به اجرای آن نمایند و طرف مقابل را مطلقه نمایند که در وادی امری یکی از مظاهر حکومت اصل حاکمیت اراده در حقوق خانواده می‌باشد. در باره حق طلاق حقوق موضوعه ایران با اقتباس از فقه امامیه حق طلاق را در ابتدا منحصر به مرد می‌دانسته است ولی در اصلاحات بعدی با وجود نظریات فقهی و حقوقی معاصر و الزامات حقوق بشری مانند تساوی حقوق زنان و مردان این حق را با شرایطی برای زن نیز در نظر گرفته است. ماده ۱۱۳۳ ق.م، ماده ای بود که حق طلاق را بدون قید و شرط در اختیار مرد قرار داده بود اما این در سال ۱۳۸۱ مورد اصلاح قرار گرفت و زن را نیز طبق شرایطی مانند مواد ۱۱۱۹، ۱۱۲۹، و ۱۱۳۰ حائز دارا شدن حق طلاق دانسته و همچنین تفویض وکالت در طلاق به زن به عنوان شرط ضمن عقد نکاح نیز تلویحاً پذیرفته شده است. بدین معنی که می‌توان در عقد نکاح، شروطی را برای مردان قرار داد و متذکر شد که اگر مرد از انجام آن شروط تخلف کند، زن وکیل باشد که خود را مطلقه سازد. هرچند حق طلاق در این مورد برای زن ذاتی نمی‌باشد اما به هرحال می‌توان این حق را برای زن متصور شد. بطور کلی مطالعه تاریخچه قوانین مربوط به حقوق خانواده در نظام حقوقی ایران نشان از تغییرات و دگرگونی‌های فراوانی در باره اختیار حق طلاق داشته است، اهم آنها عبارتند از: کتاب‌های هفتم، هشتم و نهم از قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷؛ قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۰؛ قانون راجع به انکار زوجیت مصوب ۱۳۱۱؛ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۴۶؛ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳؛ آیین نامه اجرایی قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۴؛ قانون تشکیل دادگاه‌های مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸؛ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ و لایحه قانون حمایت خانواده جدید مصوب ۱۳۷۸ (تقوی و کرامتی، ۱۳۹۶)، این قوانین نشان می‌دهد که قانونگذار به اعتبار منابع فقهی و الزامات حقوق بشری تا جایی که

توانسته است در مورد حق طلاق بین زن و مرد تعادل و توازن برقرار نموده است که در نهایت این روند قانونگذاری سبب اصلاح در قوانین حق طلاق و پذیرش موردی و تلویحی این حق برای زنان شد.

۶- نتیجه‌گیری

نهاد خانواده، کوچکترین و بنیادی‌ترین واحد اجتماعی است. خانواده دارای کارکردهای جایگزین‌ناپذیری نظیر بقای نوع انسانی، تأمین نیازهای عاطفی و روانی اعضا، تربیت و رشد نسل آینده، مراقبت از خردسالان و حمایت از سالمندان، تحکیم و انتقال ارزش‌ها و فرهنگ‌ها به نسل بعد و تعلیم فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری به آنهاست. از آنجا که چگونگی نگرش به ماهیت انسانی زن و مرد، حقوق و آزادی‌های آنان تأثیر مستقیمی بر نهاد خانواده دارد، انتخاب جهان‌بینی صحیح و همچنین وضع دقیق‌ترین قوانین برای تنظیم روابط افراد در خانواده و جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است. برداشت غلط از حقوق طبیعی و مفهوم آزادی، خواه‌ناخواه منشأ تضییع حقوق و شخصیت زنان و نابودی نهاد خانواده می‌شود؛ امروزه در کشورهای مبتنی بر نظام‌های سکولار شاهد فروپاشی تدریجی خانواده و تباهی حقوق و کرامت زنان و فرزندان هستیم. تأکید بر حقوق فرد و محوریت اراده او در شکل‌گیری روابط و نیز مجاز شمردن روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده، کم‌رنگ شدن نظارت بر فرزندان و کاهش پرورش عاطفی و اخلاقی آنان موجب اختلالات شدید و برهم خوردن امنیت اجتماعی شده است. از طرف دیگر پیوندهای عاطفی میان زن و شوهر از هم گسسته شده و این امر به فراوانی روابط نامشروع، کاهش مسئولیت‌پذیری والدین در برابر فرزندان و از دست رفتن کارکرد حکیمانه خانواده منتهی شده است. زن و مرد در اکثر حقوق و تکالیف با هم برابرند و تفاوت‌های حقوقی که به چشم می‌خورد، برخاسته از تفاوت‌های واقعی میان آنهاست. حق مالکیت؛ زنان در طول تاریخ و در تمدن‌ها و نظام‌های حقوقی مختلف پیش و پس از ظهور اسلام، از داشتن حق مالکیت (مگر در موارد خاص، مثل خانواده‌های سلطنتی و ثروتمند) محروم بوده‌اند. اسلام همانگونه که به زن بها داد، حقوق او را نیز به رسمیت شناخت. این مسئله مهم در اصل ۴۶ قانون اساسی تصریح شده است. حق ارث؛ در شرایطی که زنان نه تنها از ارث بردن محروم بودند، بلکه خودشان نیز به عنوان میراث به ملکیت فرزندان متوفی درمی‌آمدند؛ اسلام حق ارث آنان را به رسمیت شناخت برای مردان بهره‌ای است از آنچه والدین و نزدیکانشان به جا می‌گذارند و برای زنان هم بهره‌ای است از آنچه والدین و نزدیکانشان بر جا می‌گذارند. در نظام حقوقی اسلام زنان و مردان از نظر مشارکت سیاسی، از حقوق و تکالیف یکسانی بهره‌مند هستند و به اصطلاح امروزی، حق انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن دارند. مشارکت زنان در تمامی نهادهای سیاسی کشور، جز رهبری، ریاست جمهوری و ریاست قوه قضائیه در نظام جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده است. برخورداری از حقوق اجتماعی عادلانه از اساسی‌ترین دغدغه‌ها و مسائل مطرح برای جامعه زنان است. به موجب اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف است حقوق زنان را در تمام جهات، با رعایت موازین اسلامی تضمین کند. حقوق زنان به یک اعتبار به دو دسته تقسیم می‌شود: نخست حقوقی که صرفاً به لحاظ زن بودن آنان مطرح شده است؛ مانند ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او. دوم امور مربوط به تأمین حقوق زنان به لحاظ مادر بودن و عضویت در خانواده، مانند لزوم ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان خانواده. در قانون اساسی و قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران، بر تأمین حقوق برابر زن و مرد در انتخاب شغل، بهبود شرایط زنان شاغل، حق برخورداری زنان از آموزش، تأمین اجتماعی، امنیت اجتماعی و بهداشت و درمان تأکید شده است. زنان همچنین از حقوق قضایی، همچون طرح شکایت، تقاضای جبران خسارت و درخواست اجرای مجازات برخوردارند. بارزترین نمونه این حقوق، حق آزادی در انتخاب همسر و تشکیل خانواده است.

از این‌رو زنان علاوه بر آزادی و استقلال در تشکیل خانواده، در انتخاب همسر نیز از آزادی و استقلال برخوردارند. در نظام حقوقی اسلام بویژه قوانین مربوط به زنان و خانواده، تفاوت‌های حقوقی بر مبنای عدالت و متناسب با ویژگی‌های طبیعی زن و مرد وضع شده و بدیهی است که همیشه برابری ملاک عدالت نیست. با این‌حال زنان در نظام اسلامی از حقوق سیاسی-اجتماعی کافی برخوردارند و منابع فقهی و تاریخ گواه این حقیقت است. تصویری که امروزه در جوامع اسلامی از زن ارائه می‌شود و برخورد ناموجهی که گاهی با شخصیت، حقوق و منزلت اجتماعی او صورت می‌گیرد، محصول جمع‌شدن برخی از احکام اسلامی با افکار، ارزش‌ها، سنت‌ها، آداب و رسوم جوامع است و هرگز نمی‌توان همه آن را به اسلام نسبت داد. بر اساس آموزه‌های اسلامی، زنان همانند مردان از حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... برخوردارند و نظام جمهوری اسلامی ایران نیز که بر اساس همین آموزه‌ها تأسیس شده، مروج و حامی این تفکر است. اسناد بین‌المللی حقوق زنان، با توجه به مشکلات و نیازهای کشورهای صنعتی و سکولار تدوین شده است. نظام بین‌المللی می‌کوشد در راستای یکسان‌سازی فرهنگ جهانی، نیازها، ضرورت‌ها و مشکلات یکسانی برای همه زنان تعریف کند. درحالی که مسائل و مشکلات و ضرورت‌های زنان در کشورها باید با توجه به فضای فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر آن تحلیل، و سیاست‌ها و راهکارها هم متناسب با همان تدوین و اجرایی شود. مدلی که کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و همچنین مدافعان حقوق زنان، آن را ارائه می‌دهند، در هیچ کجای جهان کاملاً محقق و آزموده نشده و هیچ کشوری به عنوان نمونه موفق آن معرفی نشده است. علاوه بر این بررسی وضعیت زنان در جوامعی که کنوانسیون را اجرایی کرده‌اند، نیز تأسف بار و نگران‌کننده است. تا زمانی که توصیه‌های اخلاقی و آموزه‌های پیامبران الهی به حقوق ضمیمه نشود، توسل به قانونگذاری و تدوین کنوانسیون‌ها، هرگز مشکلات فردی و اجتماعی زنان را حل نخواهد کرد؛ به همین سبب، اسلام در کنار فقه و حتی پیش از آن به رفتار اخلاقی با زنان سفارش کرده و ضمن در اختیار نهادن شناخت‌های لازم در این عرصه، ابزارهای انگیزشی فراوانی را به کار گرفته است. امروزه توجه صرف به ابعاد مادی زندگی و غفلت از ارزش‌های اخلاقی و مصالح خانوادگی و نادیده گرفتن نیازهای عاطفی بین اجزای خانواده زمینه ساز بروز اختلافات و گسسته شدن بنیان برخی از خانواده‌هاست. این در حالی است که خانواده نقش مهمی در سعادت‌مندی افراد و جوامع دارد، لذا باید در تحکیم بنیان‌های آن بسیار کوشید. در این عرصه در آموزه‌های دینی نیز همچون سایر ابعاد زندگی هم به نیازهای مادی و هم به نیازهای معنوی توجه شده است. بعلاوه صرف نظر از اینکه شناخت متکی بر عقلانیت را در برمی‌گیرد، بعد عاطفی و رفتاری را نیز پوشش می‌دهد. این آموزه‌ها شیوه‌های متعالی و حیات بخشی را ارائه می‌دهد و بر عواملی چون وجود ایمان و تقوا، عشق و محبت، وفاداری، اعتماد متقابل، صبر و شکیبایی، مدیریت صحیح، اخلاق نیکو، شناخت حقوق و وظایف و... برای همه اعضای خانواده، تأکید دارد. بنابراین آموزش رمز و راز رفتاری در خانواده و چگونگی برقراری ارتباط حسنه با همسر و فرزندان، و احیای سنت‌های حسنه مذهبی و ملی از جمله راهکارهایی است که برای نهادینه کردن اخلاقیات در خانواده‌ها ضرورت دارد. به هر ترتیب تفاوت‌های جنسیتی را نه می‌توان امتیازی برای زن یا مرد دانست و نه اینکه نقص برای هر یک. این در حالی است که نگاه اسلام به هر دو طرفینی است و مورد خطاب آیات و روایات و قانون هم مردان و هم زنان اند و هر یک در جایگاه خود می‌توانند منشاء اثر و موجب ساختن خانواده و اجتماع سالم باشند.

- احمدی، علی اصغر، (۱۳۹۱)، *روان‌شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی*، چاپ نهم، تهران، امیرکبیر، ص ۱۰.
- اسماعیل بیگی، محمد، (۱۳۹۴)، *روابط غیر مالی زن و شوهر*، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول
- پایگاه اطلاع رسانی امور فرهنگی قوه قضاییه، ۱۳۹۴: ۲-۳
- تمیمی آمدی، عبدالواحد ابن محمد، (۱۳۸۵)، *غررالحکم و درر الکلم*، تصحیح سید مهدی رجایی، ج ۸۵، قم، دارالکتب الاسلامیه، ص ۲۴۴.
- تقوی، حسین و داوود کرامتی، (۱۳۹۶)، "تبیین حق طلاق زوجه در قوانین موضوعه با تأکید بر ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی"، *فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، فقه و حقوق*، دوره ۳، شماره ۲، ص ۶۸ تا ۹۵، ص ۸۷
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۷)، *مبسوط در ترمینولوژی*، تهران، گنج دانش، ص ۹۲.
- جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی شاهرودی، محمودی، (۱۴۲۶)، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)*، جلد سوم، چاپ اول، موسسه دایرالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، قم، ص ۳۲۱.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۵)، *زن در آینه جلال و جمال*، قم، مرکز نشر اسراء.
- حرعاملی، (۱۳۴۷)، *وسایل الشیعه*، قم، آل البيت الاحیا التراث، ص ۴۸۵.
- خطیبی، اعظم (۱۳۹۴)، "مقایسه نگرش جنسیتی نسبت به عوامل موثر به تحکیم بنیان خانواده"، *فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده*، سال دهم، شماره ۳۳، ص ۹.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۱)، *لغت نامه دهخدا*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۷۹.
- زارعی، راضیه، زارعی، محمد، زارعی گلپایگانی، محمد، (۱۳۹۹)، "وضعیت شناسی الگوی استحکام خانواده در فقه و تجربه جمهوری اسلامی در تحقق این الگو"، *فصلنامه فقه دولت اسلامی*، سال اول، شماره اول، ص ۸۸
- سالاری فر، محمدرضا، سید مهدی موسوی اصل، محمد دولتخواه و محمدصادق شجاعی، (۱۳۹۰)، *بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی*، چاپ دوم، تهران، سمت، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ص ۷۷.
- سلیبی، مهناز، آیتی، محمد، مهدوی، هادی، (۱۳۹۷)، "تحلیل تفاوت های حقوق زنان در فقه امامیه و ماده ۱۶ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان. (با تمرکز بر حقوق یکسان زوجین در دوران ازدواج و هنگام انحلال آن)"، *مبانی فقهی حقوق اسلامی*، سال یازدهم، شماره بیست و یکم، ص ۵۴.
- شایگان، سید علی، (۱۳۷۵)، *حقوق مدنی*، قزوین: انتشارات طه، ص ۲۷۷.
- صفایی، حسین، امامی، اسدالله، (۱۳۸۵)، *مختصر حقوق خانواده*، تهران، میزان، ص ۱۰.
- علائی رحمانی، فاطمه، پاک نیت، خضر، غلامی نژاد، فهیمه، (۱۳۹۷)، "بررسی تطبیقی ساختار شخصیت و ابعاد آن از دیدگاه قرآن کریم و روان شناسی"، *دوره دو*، شماره ۱۰، ص ۹.
- غزالی، محمد، (۱۳۷۱)، *کیمیای سعادت*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۳۶.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۲)، *حقوق مدنی خانواده*، جلد یک، تهران، شرکت سهامی انتشار .
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۴)، *حقوق خانواده*، تهران، انتشار، ص ۱.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۹)، *مقدمه علم و حقوق*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ ۲۷، ص ۲۴۹

کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۶۲)، *اصول کافی تصحیح علی اکبر غفاری*، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ص ۹۴.

مان، نرمان (۱۳۴۹)، *اصول روان‌شناسی*، ترجمه محمود صناعی، چاپ هفتم، تهران، نشر اندیشه، ص ۱۵۰.

محسنی، منوچهر، (۱۳۵۷)، *جامعه‌شناسی عمومی*، چاپ دوم، تهران، نشر کتابخانه طهوری، ص ۴۴۷.

محمدی، مسلم (۱۳۹۲)، "تحلیل تفاوت های جنسیتی زن و مرد در علوم تجربی و آموزه دینی"، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی انسان پژوهشی دینی*، سال دهم، شماره ۲۹ ص ۷۳.

معارف، مجید، قماشچی، احمد (۱۳۹۵)، "عوامل آرامش خانواده در سبک زندگی امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س)"، *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، دوره نوزدهم، شماره، ص ۹۴-۹۵.

معاونت پژوهش، گروه روانشناسان، (۱۳۸۶)، *تقویت نظام خانواده آسیب شناسی آن*، چاپ دوم، انتشارات موسسه آموزش و پرورش امام خمینی (ره)، ص ۲۳۱.

معین، محمد، (۱۳۷۵)، *فرهنگ فارسی (متوسط) چاپ دهم*، تهران، امیرکبیر، ص ۳۲۲.

مهدوی کنی، محمدرضا، (۱۳۷۱)، *نقطه های آغاز در اخلاق عملی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۱۳.

نوری، اعظم (۱۳۹۵)، "عوامل تحکیم و استحکام خانواده"، *فصلنامه در عرصه مطالعات زنان و خانواده*، ص ۱۴۷.

وطن دوست، رضا و جواد ایروانی، (۱۳۹۰)، *شخصیت متعادل و رفتار معتدل*، چاپ پنجم، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ص ۱۴.

یزدخواستی، بهجت، ربانی اصفهانی، حوریه، (۱۳۹۳)، "بررسی کیفی تاثیر فمینیسم رادیکال بر نقش زن در نهاد خانواده و مقایسه آن با تمهیدات اسلام (مطالعه موردی زنان شهر اصفهان)"، *جامعه شناسی کاربردی*، سال بیست و ششم، شماره دو، صفحات ۱۲۵۰-۱۴۰.

Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (۲۰۱۲). *Family Therapy: An overview*. Los Angeles. Thomas Brooks/Cole

Thompson, C. L. & Henderson, D. A. (۲۰۰۷). *Counseling Children*. Belmont, CA. Brooks/Cole.